



۱۰

ریحانه؛ تقدیم به همه دختران ایران

طرفداران پادشاه بالیوود، بیست وهفتمین سالگرد ورود او به دنیای بازیگری را جشن می گیرند

گاهی خوشی گاهی غم



۱۲

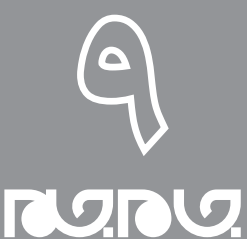


روزهای بازنشستگی یک صدای دخترانه



فرهنگ

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۲۲



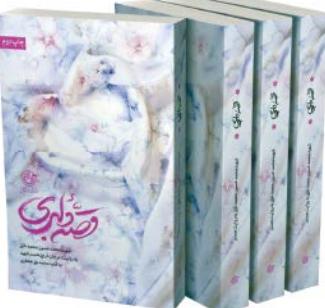
جایزه هفته

میلیونر شدن با کتاب

احتمالا در جریان مسابقه کتابخوانی کتاب و زندگی هستید. البته می دانیم که از این خبرها بسیار است و شما هم احتمالا لایه ای این خبرها خودتان را می یابید که بین شان گم شده اید. حالا اگر در این شلوغی چنین خبرها و فراخوان هایی، پوسترها و خبرهایش را این طرف و آن طرف ندیده باشید اما حتما تبلیغاتش را دیده اید. حالا هم روابط عمومی مسابقه به ما خبر داده که جوایز ویژه ای برای اختتامیه تدارک دیده اند. براساس اعلام دوستان یک جایزه پنج میلیون تومانی و پنج جایزه یک میلیون تومانی به قید قرعه به شرکت کنندگان در مسابقه اهدا خواهد شد.

اجمالا در توضیح بیشتر این پویش هم خدمت تان عرض کنیم که هفتمین دوره پویش ملی کتابخوانی کتاب و زندگی با محوریت کتاب «قصه دلبری» داستان زندگی مشترک شهید مدافع حرم محمدحسین محمدخانی از زبان همسر ایشان، از دهه فجر سال ۹۷ در حال برگزاری است.

محمد طاهری که مسؤولیت دبیری این دوره از پویش کتاب و زندگی را بر عهده دارد با اشاره به پخش تیزر تلویزیونی کتاب قصه دلبری



از شبکه های سیمما گفته مهلت شرکت در این دوره از پویش ابتدا تا عید فطر اعلام شده بود که با توجه به استقبال مخاطبان تا پایان تیر سال جاری تمدید شد.

پیش از این، قرعه کشی هایی بین شرکت کنندگانی که پاسخ صحیح داده بودند انجام کارت های هدیه ۱۵۰ هزار تومانی به برندگان اهدا شد که این قرعه کشی ها تا پایان پویش ادامه خواهد داشت؛ همچنین پس از تمدید مسابقه تا پایان تیرماه، یک جایزه پنج میلیون تومانی و پنج جایزه یک میلیون تومانی به عنوان جوایز ویژه، به شرکت کنندگان این پویش اهدا خواهد شد.

طاهری زمان اهدای این جوایز ویژه را پس از پایان زمان پویش اعلام کرد و گفت: علاقه مندان به شرکت در این مسابقه تا پایان تیرماه فرصت دارند با خرید کتاب یا مراجعه به سایت پویش به نشانی ketabzandegi.ir و پاسخ به سوالات مسابقه یا انتشار پست ترویجی در اینستاگرام در مسابقه شرکت کنند. خوب، شما هم اگر طالب شرکت در این مسابقه یا به قول دوستان، پویش هستید فرصت را از دست ندهید و حتما شانس خودتان را امتحان کنید. حداقلش این است که یک کتاب خوب خوانده اید!

آن هم کتابی که تا به حال بدون برگزاری مسابقه هم توانسته کتابخوان ها و کتابخوان های بسیاری را به سمت خود جلب کند.

شوخی اش هم قشنگ نیست

پس از گزارش جام جم درباره آگهی فروش ۲میلیاردی یک دفتر شعر

حالا سر و کله آگهی های دیگری هم پیدا شده است

چند وقت پیش بود که تصویری عجیب از یک آگهی در سایت دیوار، در گروه های مجازی ادبیات دست به دست شد که ابتدا نگران کننده به نظر رسید و سپس همه به آن خندیدند. همان موقع، در جام جم گزارشی در این باره نوشتیم و این گمانه را مطرح کردیم که این آگهی احتمالا محض شوخی و سرگرمی منتشر شده است؛ تصویری که در آن، دفتر شعری منتشر نشده به فروش گذاشته شده بود آن هم با مبلغ دو میلیارد تومان! از همین مبلغ عجیب و غریب هم می شد متوجه شد که ماجرا چیزی در حد شوخی است.

حالا چه شده که دوباره یاد آن آگهی افتاده ایم؟ در واقع باید بگوییم حالا دیگر ماجرا به همان آگهی یکی دو هفته پیش محدود نمانده و پیچیده تر شده است.

ماجرای کجا شروع شد؟

«یک دفتر پر از شعر نو به فروش می رسد. تمام شعرها را خودم سرودم. هنوز به چاپ نرسیده، می توانید دفترچه را خریداری و به نام خود یا کسی که دوستش دارید ثبت، چاپ و هدیه اش بدهید. در صورت خرید، کلیه برگه های چک نویس اشعار با ذکر تاریخ، روز، ساعت و دقیقه نوشته شدنشان را خدمتان تقدیم می کنم. به نام خود چاپ کنید و معروف شوید.»

خب شاید بگویید این هم که شوخی است و خطری را گوشزد نمی کند، اتفاقا می خواهیم بگوییم از همین شوخی و وجه متناقض نمایش باید ترسید. به خصوص که حالا پای یکی دو جایزه ادبی هم، به شوخی هم که شده به این آگهی ها باز شده است.

علاوه بر این، می دانیم که زیر پوست انجمن های ادبی و محافل، فروش شعرهای منتشر نشده به دیگران اتفاق می افتد هر چند اگر نتوان از آن به عنوان وضعیتی غالب یاد کرد اما با این حال، اینها وجود دارند و نباید از حقیقت وجودشان هم مثل این آگهی ها به شوخی گذشت.

ماجرای به همین جا محدود نماند. آن آگهی که مشخص بود چیزی فراتر از شوخی نبود و البته که حتی شوخی اش هم دردناک بود، اما چند روز پس از انتشار آگهی، یک آگهی دیگر با مضمونی مشابه و با همان مبلغ دو میلیارد تومان روی خروجی

اوضاع قمر در عقرب کاغذ

منتظر گزارش تفصیلی و جنجالی جام جم در هفته بعد باشید

قبول داریم، قبول داریم که شور این قضیه را در آورده ایم. کاغذ را می گوییم دیگر خب وقتی پر قضیه از سه چهار طرف به صفحات فرهنگی می خورد انتظار نداشته باشید بی خیال قضیه شویم. از یک طرف این موضوع تاثیر مستقیم روی بحث فرهنگ و نشر و کتاب و کتابخوانی دارد و از سمت دیگر هم به مطبوعات، رسانه های چاپی، روزنامه و ... خب پس قبول دارید که نباید بی خیال قضیه شویم. قبل از این که نوبت یک گزارش جالب و کار آگاهی را

بدهیم، برویم سر وقت مطلبی که همکاران ما در خبرنگاری مهر به آن دست پیدا کرده اند. دوستان ما در این رسانه با گلایه از این که وزارت ارشاد و معاونت فرهنگی در این روزها پاسخگو نیستند و از سمت دیگر هم موضوع کاغذ همچنان حاشیه درست کرده و اسب قیمت در میدان مصرف می تازد، ذره بین برداشته و فهرستی که به تازگی از سوی معاونت فرهنگی این وزارتخانه منتشر شده را زیر ذره بین برده و راجع به آن حرف های جالبی زده اند. طبق این گزارش، در جدولی که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در روز گذشته منتشر شد فهرستی از ۵۹ متقاضی حقیقی و حقوقی واردات کاغذ در سال جاری منتشر شده است که برخی از آنها دو سال پیش از این برای واردات کاغذ اقدام به خرید ارز کرده اند.

در این فهرست بیشترین حجم از واردات متعلق به شرکتی با عنوان «وی را پاپیروس» است. این شرکت به اقرار جدول منتشر شده در سال ۱۳۹۸ اقدام به تقاضا برای واردات بیش از ۶۵۰۰ تن کاغذ چاپ و تحریر کرده است. التفات دارید؟ ۶۵۰۰ تن کاغذ! حالا احتمالا برایتان جالب باشد که این اتفاق درحالی رخ داده که بنابر اظهار این جدول برخی از این تقاضاها در سال ۱۳۹۶ تأمین ارز شده اما هیچ کدام از این محموله ها تاکنون از گمرک ترخیص نشده است.

به عبارت دیگر از ۱۴ تقاضای ثبت شده از این شرکت که بیشترین حجم واردات کاغذ چاپ و تحریر را به خود اختصاص داده است تاکنون هشت تقاضا در سال های ۹۶ و ۹۷ تأمین و حتی خرید ارز شده و البته هیچ محموله ای از این شرکت اعم از تأمین ارز شده یا تأمین ارز نشده از گمرک ترخیص نشده است.

جالب این که این شرکت تا پایان سال ۱۳۹۷ در پنج نوبت دیگر اقدام به دریافت ارز کرده و بنا بر اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ کاغذی از مجموع واردات این شرکت از گمرک ترخیص نشده. همه این اتفاقات در حالی رخ داده که بر حسب پیگیری های همکاران ما در مهر، سرمایه اولیه این شرکت از ده میلیون تومان در سال ۹۶ به ۵۰ میلیارد تومان در زمستان گذشته رسیده است. حالا در چنین شرایطی هیچ کدام از مسؤولان وزارت ارشاد و کارگروه کاغذ پاسخگو نیستند؛ خب اینها را داشته باشید. ما هم خدمت تان عرض کنیم که از بازار و راسته کاغذ فروشان بعضی حرف و حدیث ها و حاشیه ها به گوشمان رسیده بود که اتفاقات قمر در عقربی دارد زیر پوست راسته طهیرا اسلام می افتد. همین هم شد که یکی از خبرنگاران ما کشف و کلاه کرد تا برود ببینید آنجا چه خبر است البته نه در مقام یک خبرنگار که در پوشش یک خریدار کاغذ.

مشروح قضیه که چه فجایع هولناکی با مشارکت بعضی ناشران در زیر پوست راسته کاغذ فروشان پایتخت در حال رخ دادن است را هفته بعد در ضمن یک گزارش مبسوط بخوانید اما همین قدر خدمت تان عرض کنیم با این دست فرمانی که حضرات در وزارت صمت، بانک مرکزی و وزارت ارشاد در حال پیش رفتن هستند هیچ اتفاق خاصی نخواهد افتاد؛ تاکید می کنیم هیچ اتفاق خاصی رخ نخواهد داد. این وسط گوش قربانی هم همچنان عباس های کتابخوان هستند که باید روز به روز مغزشان از بالا رفتن قیمت کتاب سوت بکشد و سفره مطالعاتی شان روز به روز کوچک تر شود.

۱۰



گروه در این روزها به وضعیت تیم های فوتبال در فصل نقل و انتقالات

در آمده است. زینب مرتضایی فرد با خوراکی و سوغاتی تازه از گرد راه مسافرت نرسیده که استاد علی رستگار، پاشنه کفش اش را بالا کشید و رفت یک مسافرت چند روزه. حالا این که بعد از آمدن رستگار قرعه مرخصی و مسافرت بعدی به نام چه کسی می خورد خدا عالم است. یک رسم خوب اما بین اعضای گروه حاکم است که حتی اگر کسی تا قف هم برود و بیاید، دست خالی بر نمی گردد. خلاصه که این رفت و آمد هم برای تمدد اعصاب روحی و روانی فرهنگی های روزنامه آورده دارد و هم برای دیگرانی که تا یکی دو روز سرشان با خوراکی ها و سوغاتی ها گرم است. خلاصه که چنین وضعیتی است.



اما بعد ... امروز مصادف است با تولد حضرت معصومه (س) که این مناسبت هم به نوبه خودش نامگذاری شده به نام روز دختر. اجازه بدهید همین جایک چیزی را بگوییم که بیخ گلوئی جماعت ذکور ماندند! شما التفات داشته باشید که یک روز در تقویم به نام روز دختر است و یک روز به نام روز زن و کنار اینها سالروز تولد و سالگرد عقد و ازدواج را هم اضافه کنید تا گواشی دست تان بیاید که مردان ایرانی در سال باید چند روز برای همسران و دیگر اقربا از قبیل مادر و خواهر و امثالهم هدیه بگیرند. حالا داشته باشید که در کنار همه اینها فقط یک روز داریم به نام روز مرد. بگذریم از این که روز تولد حضرت علی اکبر (ع) هم دوباره به نام روز جوان سند خورده و این یعنی باز هم دختران و زنان این سرزمین از آن بی بهره نیستند. حالا جماعت ذکور بخیل که نیستند ولی مرور همین مناسبت های تقویمی در جهت تکریم مقام زنان و دختران هم خالی از لطف نیست.



اتقدر حاشیه رفتیم که از اصل قضیه دور شدیم. غرض این که به مناسبت روز دختر، زینب مرتضایی فرد رفته سراغ فاطمه سلیمانی، سلیمانی از زنان نویسنده جوان است که یکی از آثارش به طور مشخص به یکی از دوره های زندگی حضرت معصومه (س) پرداخته است. کتابی که توسط انتشارات نیستان منتشر شده. مرتضایی فرد در این گفت و گو هم راجع به کتاب صحبت کرده و هم راجع به مناسبت امروز. گفت و گو صفحه ۱۰ را از دست ندهید.



در صفحه ۱۱ سینما هم سازان قنبری رفته سراغ فردی که شاید خیلی به اسم او را نشناسید، اما حتما با آقاارش آشنا هستید. آزاده پورمختار که خیلی ها او را با صدایپیشگی زنی گولو و کلی عروسک ریز و درشت دیگر از شهر موش ها و والوالو من جوجوام را در کارنامه دارد. قنبری با پورمختار حسابی گپ زده و خاطراتش را مرور کرده. جاکم داریم و از معرفی مطالب صفحه ۱۲ هم صرف نظر می کنیم.